

ترجمه و برداشتی

از:

قرآن مجید

جزوه سی و نهم

ترجمه و برداشت: از استاد سید حسن ابطحی

تنظیم موضوعی: جمعی از دانشمندان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ
وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ لَا سِوَا عَلَى
بَقِيَّةِ اللَّهِ رُوحِي وَأَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لِتُرَابٍ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

این جزوه باموضوع بندی مسئله «تزکیه نفس» از آیات قرآن تنظیم شده و هر آیه ای که مربوط به موضوعی از این علم است بعد از همان آیه ترجمه شده و سپس برداشتی از آیات در فصل جداگانه ای ارائه داده شده است. و بخاطر آنکه مباحثمان فعلاً در مسائل تزکیه نفس است قبل از مسائل اعتقادی آیاتی که مربوط به مراحل تزکیه نفس است در این جزوه آورده شده است.

ضمناً نباید گمان کرد، آنچه را که در اینجا می نویسیم تفسیر آیات قرآن بوده و یا حتی توضیح قرآن است. بلکه فقط یک نوع راهنمایی است که برای تدبّر بیشتری در قرآن و توجّه دوستان به سخنان حضرت حقّ جلّ و علایادآوری شده است.

تا ان شاء الله سالکین إلى الله با تأمل زیادتری موفّق به قرائت قرآن گردند. و ضمناً آیاتی که در این جزوه قرائت می شود جابجا شده و تنظیم موضوعی گردیده است.

یعنی اگر شما بخواهید آیانی که مربوط به تزکیه نفس است را پشت سر هم قرائت کنید به ترتیب قرآن مجید در این جزوه آورده شده است و بعدها سایر آیات که مربوط به عقاید و فروع احکام است در جزوات جداگانه ای آورده خواهد شد ان شاء الله.

به امید موفقیت و السلام

سید حسن ابطحی



اعوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

آیات ۲۳-۲۷ از سوره مبارکه کهف

وَلَا تَقُولَنَّ لِّشَيْءٍ اِیَّی فاعِلٌ ذَلِکَ غَدًا ﴿۲۳﴾ اِلَّا اَنْ یَّشَاءَ اللّٰهُ وَ اذْکُرْ رَبَّکَ
اِذَا نَسِیتَ وَ قُلْ عَسٰی اَنْ یَّهْدِیَنِ رَبِّیْ لِاَقْرَبَ مِنْ هٰذَا رَشَدًا ﴿۲۴﴾ وَ لَبِثُوا
فِی کَهْفِهِمْ ثَلٰثَ مِائَةٍ سِنِیْنَ وَ اِزْدَادُوا تِسْعًا ﴿۲۵﴾ قُلِ اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ
غِیْبُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ اُبْصِرْ بِهٖ وَ اَسْمِعْ مَا لَمْ یَنْصُرْ مِنْ دُوْنِهٖ مِنْ وَلِیٍّ وَ لَا
یُشْرِکُ فِی حُکْمِهٖ اَحَدًا ﴿۲۶﴾ وَ اَتْلُ مَا اُوْحِیَ اِلَیْکَ مِنْ کِتَابِ رَبِّکَ لَا
مُبَدِّلَ لِكَلِمٰتِهٖ وَ لَنْ تَجِدَ مِنْ دُوْنِهٖ مُلْتَحَدًا ﴿۲۷﴾

ترجمه آیات ۲۳-۲۷

و هرگز چیزی را نگو که قطعاً من فردا کننده آن خواهم بود. (۲۳) مگر آنکه خواست خدا باشد و وقتی پروردگارت را فراموش کردی، به یاد بیاور و بگو: امید است اینکه هدایت کند پروردگارم مرا به چیزی که از این، رشدش نزدیکتر باشد. (۲۴)

و آن‌ها در پناهگاه و غارشان سیصد سال خوابیدند و جمعی نه سال بر آن افزودند. (۲۵)
بگو: خدا داناتر است به مدتی که آن‌ها خوابیده‌اند. برای او پنهانی آسمانها و زمین است. چقدر بینا و شنوا است. برای آن‌ها غیر از خدا سرپرستی نیست و او احدی را در دستور کار خود شریک نمی‌کند. (۲۶)
و بخوان آنچه را به تو از کتاب پروردگارت وحی شده. هیچ تبدیل کننده‌ای برای کلمات او نخواهد بود و هرگز جز او (برای خود) پناهگاهی نخواهی یافت. (۲۷)

برداشت از آیات ۲۳-۲۷ (بداء)

سالک الی الله باید خود را معتقد به بداء که علمش منحصرأ در اختیار خدا است، قرار دهد. زیرا خدای تعالی به پیامبر اکرم ﷺ که دانا به آنچه بوده و هست و خواهد بود، فرموده: هرگز نگوئی که من فردا فلان کار را

می‌کنم، مگر آنکه بگویی اگر خدا بخواهد، یعنی اگر خدا نخواست، من هم نمی‌توانم کاری بکنم، نباید هیچ‌گاه خدا را فراموش کند، همیشه به امید هدایت پروردگارش باشد و در خصوص اصحاب کهف که سیصد سال در آن پناهگاه ماندند، تنها با ارادهٔ پروردگار این کار انجام شد، خدا می‌داند که چند سال آن‌ها در آن غار مانده و یا تعدادشان چند نفر بوده است و نباید هیچ‌گاه فکر کند که قوانین دیگری در مقابل قوانین الهی می‌تواند وجود داشته باشد.

آیات ۲۸-۲۹ از سورهٔ مبارکهٔ کهف

وَ اصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذِینَ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِیِّ یُرِیدُونَ وَجْهَهُ
وَلَا تَعْدُ عِینَاکَ عَنْهُمْ تُرِیدُ زِینَةَ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ
عَنْ ذِکْرِنَا وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ وَ کَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا ﴿۲۸﴾ وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ مَنْ
شَاءَ فَلِیُؤْمِنُ وَ مَنْ شَاءَ فَلِیُکْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِینَ نَارًا أَحَاطَ بِهِنَّ سُرَادِقُهَا
وَ إِنْ یَسْتَغِیْثُوا یُغَاثُوا بِمَاءٍ کَاثِلٍ یَشْوِی الْوُجُوهُ بِشَسِّ الشَّرَابِ وَ سَاءَتْ

مُرْتَقَقًا ﴿۲۹﴾

ترجمهٔ آیات ۲۸-۲۹

و خود را با کسانی که پروردگارش را صبح و شام می‌خوانند و رضای پروردگارش را می‌طلبند، با صبر و استقامت نگهدار و از آن‌ها به خاطر اینکه زینت زندگی دنیا را بخواهی، چشم‌پوشی نکن و از کسی که قلب او را از یاد خود غافل کرده‌ایم و پیرو خواستهٔ خود شده است و کارهایش افراطی است، اطاعت نکن. (۲۸) و بگو: آنچه حق است از طرف پروردگار شما است. پس کسی که می‌خواهد ایمان بیاورد و کسی که می‌خواهد کافر شود. قطعاً ما برای ستمگران آتشی را که پردهٔ شعله‌هایش آن‌ها را از هر طرف احاطه کرده، آماده کرده‌ایم و اگر آن‌ها تقاضای آب کنند، به آن‌ها آبی داده می‌شود که مانند مس گداخته صورتها را بریان می‌کند. نوشیدنی بد و چه بد منزلی است. (۲۹)

برداشت از آیات ۲۸-۲۹ (بادعاگویان باشید)

سالک الی الله باید خود را با کسانی که برای خدا صبح و شام دعا می کنند، قرار دهد و اطاعت کسانی که از یاد خدا غافلند و پیروی از هوای نفس می کنند، نکند و حق را بگوید. هر کس می خواهد اعتقاد به آن داشته باشد و هر کس می خواهد اعتقاد نداشته باشد؛ ولی خدای تعالی آن ها را به عذاب سختی مبتلا می کند.

آیات ۳۲-۴۴ از سوره مبارکه کهف

وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَ حَفَفْنَاهُمَا
بِنَخْلٍ وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا ﴿٣٢﴾ كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكْلَهَا وَ لَمْ تَظْلِمِ مِنْهُ شَيْئًا
وَ فَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهْرًا ﴿٣٣﴾ وَ كَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَ هُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ
مِنْكَ مَالًا وَ أَعَزُّ نَفَرًا ﴿٣٤﴾ وَ دَخَلَ جَنَّتَهُ وَ هُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنَّ
تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا ﴿٣٥﴾ وَ مَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَ لَئِنْ رُدِدْتُ إِلَى رَبِّي لَأَجِدَنَّ
خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا ﴿٣٦﴾ قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَ هُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ
مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا ﴿٣٧﴾ لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَ لَا أُشْرِكُ
بِرَبِّي أَحَدًا ﴿٣٨﴾ وَ لَوْ لَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ
إِنْ تَرَنِ أَنَا أَقَلُّ مِنْكَ مَالًا وَ وَلَدًا ﴿٣٩﴾ فَعَسَى رَبِّي أَن يُوْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ
جَنَّتِكَ وَ يُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا ﴿٤٠﴾ أَوْ

يُصْبِحَ مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا ﴿٤١﴾ وَ أُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ

كَفَّيْهِ عَلَى مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ

أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿٤٢﴾ وَ لَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ مَا كَانَ

مُنْتَصِرًا ﴿٤٣﴾ هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ عُقْبًا ﴿٤٤﴾

ترجمه آیات ۳۲-۴۴

و برای آن‌ها مثل دو مردی را بزن که ما برای یکی از آن‌ها دو باغ از درختان انگور قرار داده بودیم که پوشانده بودیم آن دو باغ را از درخت خرما و بین این دو باغ را زراعتی قرار داده بودیم. (۳۲)

هر دو باغ میوه‌های خوردنی آورده بودند و چیزی از آن کسر نگذاشته بودند و در بین این باغها نه‌ری جاری کرده بودیم. (۳۳)

و برای صاحب باغ درآمد خوبی بود پس به رفیقش در حالی که با او گفتگو می‌کرد، گفت: من از تو بیشتر مال دارم و از نظر افراد از تو قدرتمندترم. (۳۴)

و وارد باغش شد در حالی که او به خودش ستمکار بود، گفت: من گمان نمی‌کنم این باغ و نعمت هرگز نابود شود. (۳۵)

و من گمان نمی‌کنم که قیامت بر پا شود و اگر من به سوی پروردگارم برگردانده شوم، حتماً جایگاهی بهتر از این را خواهم داشت. (۳۶)

رفیقش در حالی که با او گفتگو می‌کرد به او گفت: آیا به کسی که تو را از خاک سپس از نطفه خلق کرده، سپس تو را به صورت مردی کامل درآورده، کافر شدی؟ (۳۷)

اما (من معتقدم که) خدا پروردگار من است و احدی را با پروردگارم شریک قرار نمی‌دهم. (۳۸)
و چطور شد وقتی داخل باغت شدی، نگفتی: ماشاءالله، لا قوة الا بالله، اگر می‌بینی که من کمتر از تو مال و فرزند دارم. (۳۹) پس امید است که پروردگارم بهتر از باغ تو به من بدهد و بر باغ تو از آسمان صاعقه‌ای بفرستد، پس تو صبح کنی در حالی که باغت جز زمین صاف و لغزنده‌ای نباشد. (۴۰) یا اینکه صبح که بر می‌خیزی، آب باغت فرو رفته باشد و هرگز نتوانی آن آب را دوباره به دست آوری. (۴۱)

و تمام میوه‌های باغ نابود شده باشد. پس صبح کرد در حالی که به خاطر مخارجی که در آن باغ کرده بود، دو دستش را بالا و پائین می‌کرد و به هم می‌مالید و آن باغ تمام داربسته‌هایش فرو ریخته بود و با خود می‌گفت: ای کاش من احدی را با پروردگارم شریک قرار نمی‌دادم. (۴۲)

و برایش جمعیتی غیر از خدا نبودند که او را یاری کنند و یا او از کسی یاری بطلبد. (۴۳)

اینجا است که ولایت، مال خدایی است که حق می‌باشد. او بهترین ثواب و بهترین عاقبت را (برای مؤمنین) دارد. (۴۴)

برداشت از آیات ۳۲ - ۴۴ (یکی مؤمن و دیگری کافر)

سالک الی الله باید از جریان دو مردی که یکی مؤمن و دیگری کفران کننده نعمت پروردگار بودند عبرت بگیرد. کفران کننده وقتی چشمش به باغها و ثروتش افتاد، از خدا غافل شد، منکر قیامت گردید، خدا را فراموش کرد و هر چه آن مرد مؤمن خواست او را متذکر پروردگار کند، از خواب غفلتش بیدار نشد تا آنکه وقتی تمام ثروتش از بین رفت، گفت: ای کاش من از پروردگارم غافل نمی‌شدم و اموالم را شریک خدایم قرار نمی‌دادم.